

حقوق شهروندی، بستر توسعه پایدار
احمد توهان^۱ - صادق زیباکلام^{۲*} - یوسف مولایی^۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

چکیده:

توسعه پایدار، گونه‌ای از توسعه است که بتواند نیاز انسان را بدون آسیب به منابع آیندگان تامین نماید. از آنجاکه تحقق توسعه پایدار از گذر حقوق شهروندی ممکن خواهد بود. ضروری است تا با بررسی قوانین موجود در این حوزه و شناسایی نهادهای ذی‌ربط، اهداف توسعه پایدار را با کمک مشارکت شهروندان تحقیق بخشید. این پژوهش با به‌کارگیری از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای، اسناد داخلی و بین‌المللی دستیابی به توسعه پایدار را از منظر حقوق شهروندی، مورد بررسی قرار داده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که تحقق توسعه پایدار متضمن بسترسازی مناسب برای افزایش رفاه اجتماعی شهروندان می‌باشد، در نتیجه بهبود زیرساخت‌ها و توزیع متناسب و عادلانه تسهیلات و خدمات عمومی را به دنبال خواهد داشت. این مهم در سایه جلب اعتماد شهروندان میسر خواهد بود که لازمه آن تبدیل منشور حقوق شهروندی به قانونی فراگیر و قدرتمند و اجرای موثر آموزش حقوق شهروندی و آشنایی شهروندان به حقوق و تکالیف متقابل خود در مقابل دولت می‌باشد.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، حقوق شهروندی، محیط زیست، منشور حقوق شهروندی،

نهاد و نهادگرایی

JPIR-2108-1963

^۱ - دانشجوی دکترای مدیریت محیط‌زیست (حقوق محیط‌زیست)، گروه حقوق محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ - استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول

مقدمه

بشر از دیرباز در پی دستیابی به روش‌هایی نو برای بهتر زیستن و تفوق بر جهان پیرامون خود بوده است. حاصل این تلاش دیرینه شکل‌گیری تمدن‌های اولیه و در بستر آنها، پیدایش علوم و تکنولوژی امروزی است در دو سه قرن اخیر با سرعت گرفتن تولید علم و تکنولوژی بویژه پس از انقلاب صنعتی و رشد چشمگیر و نسبتاً همه جانبه کشورهای دارای علم و فن؛ منجر به تقسیم شدن جهان به کشورهای توسعه یافته در حال توسعه و توسعه نیافته شد. این وضعیت از یک سو شکل‌گیری رقابت بین کشورها برای دستیابی به توسعه و جبران عقب ماندگی‌ها و به تبع آن بهره‌گیری هرچه بیشتر از منابع (طبیعی) و از سوی دیگر تهدید منابع تجدید ناپذیر و تخریب محیط زیست را به همراه داشت. این شرایط و منازعات و تخاصمات تبعی آن همچنان موجب نابودی هزاران نفر و تخریب و انهدام عرصه‌های گسترده‌ای از منابع طبیعی شده و حتی کل حیات بشری را تهدید می‌کند.

این شرایط که خود گویای حرکت پرشتاب قطار توسعه بشر به سوی آینده‌ای ناپایدار و محکوم به نابودیست، برخی از اندیشمندان و رهبران جهان را بر آن داشت تا ضمن تبیین آثار ویران‌کننده توسعه در پی در انداختن طرحی نو بر مفهوم "توسعه پایدار" متمرکز شوند. این تفکر از دهه‌های پایانی قرن بیستم و با تکیه بر محدودیت‌ها و رعایت ملاحظات زیست محیطی در تدوین برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای شکل گرفت و خیلی زود با مشارکت اغلب دانشمندان، نظریه پردازان، اساتید در حوزه‌های مختلف بویژه علوم انسانی، به مفهومی (اصل) غنی و جهانشمول مبدل شد و سازمان‌ها، معاهدات، پیمان نامه‌ها و مقررات متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای بر مبنای آن تشکیل شد و شمار زیادی از کشورهای جهان به عضویت آنها در آمدند.

از آنجا که توسعه پایدار مفهومی انسان محور است (اصل اول اعلامیه ریو) و هدف غایی آن رفاه رشد و تعالی انسان‌هاست و در بستر جوامع بشری ساری و جاری می‌شود و طرح و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای هم توسط انسان‌ها شکل می‌گیرد، فلذا توجه ویژه‌ای به ماهیت انسان داشته و متضمن نیازها و حقوق مادی و معنوی اوست. مباحثی مثل حقوق بشر و حقوق شهروندی و... از جمله ارکان مهم توسعه پایدارند که قانون اساسی ما نیز به آن پرداخته شده است. (کارگر، ۱۳۹۳) در این مقاله سعی بر این است تا رابطه بین حقوق شهروندی و توسعه پایدار تبیین شود.

بیان مسئله

صرف‌نظر از مباحث نظری، تحقق عملی توسعه پایدار در جوامع مستلزم برنامه ریزی‌های دقیق و واقع‌بینانه و البته مبتنی بر خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی هر جامعه است. توسعه پایدار همواره در مباحث خود به موارد زیر (که عمدتاً متضمن و ترجمان حقوق شهروندی هستند) تأکید داشته است:

- پیوستگی متقابل محیط زیست و توسعه اقتصادی به عنوان اساس بحث توسعه پایدار
- توجه به مردم و رفع نیازهای اولیه و اساسی آنها از جمله مسکن، بهداشت و تکنولوژی مناسب برای همه، توجه به توسعه درونی در چارچوب درک محدودیت‌های منابع طبیعی
- کمک به تهیدستان
- تلاش برای دستیابی به عدالت اجتماعی و برابری "درون نسلی" و "بین نسلی" و سعی در برقراری عدالت اقتصادی.

از طرفی مهمترین عوامل رسیدن به توسعه پایدار عبارتند از:

- نیاز به تغییر نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید؛
- اولویت دادن به سرمایه انسانی به ویژه زنان و جوانان در جهت پایداری توسعه؛
- نقش رهبری در به دوش کشیدن و بالا بردن تلاش توسعه‌ای از بالا به پایین؛
- نقش سازمان‌های مدنی اجتماعی برای پیش راندن توسعه از پایین به بالا؛
- شناسایی راهبردهای هوشمندانه و تدوین سیاست‌های مناسب بر مبنای تاکیدات فوق و نهاد-های اجرایی و حقوقی متناسب، می‌تواند به شکل‌گیری و شتاب روند توسعه پایدار در کشور و به فعلیت در آمدن و تجهیز ظرفیت‌های موجود در این راستا منجر شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ایران به عنوان کشوری در حال توسعه که از لحاظ ژئوپولیتیک در منطقه خاصی از جهان واقع شده است و از سویی در زمره کشورهای دارای آب و هوای خشک محسوب می‌گردد. (مسعودیان، ۱۳۹۰: ۱۰۶) به دلیل منابع محدود و همچنین دلایلی که در ذیل خواهد آمد ناگزیر است با سرعت و دقت بالایی از مسیر گذار عبور نماید.

- شتاب روز افزون تولید علم و تکنولوژی

- حضور ایران به عنوان عضو نهاد اجرایی فرآیند تحقق اهداف توسعه هزاره (دستور کار ۲۱)
- از این‌رو در این پژوهش با هدف دستیابی به یک الگوی حقوقی جامع‌نگر جهت ایجاد بستر-های قانونگذاری، اقدامات قانونی سلبی و ایجابی و اتخاذ تمهیدات و ساز و کارهای لازم در قالب احکام، ضوابط و مقررات و پیشگیری از تکرار تجارب منفی بتواند اهداف کاربردی ذیل را نیز دنبال کند.

- شناسایی قوانین و مقررات موجود در حوزه حقوق شهروندی

- فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای تدوین سیاست‌ها و راهبردهای (سند) ارتقای حقوق شهروندی
- بررسی نهادهای قانونی جهت تبیین ارتباط مؤلفه‌های توسعه پایدار مانند توجه به تعهدات زیست محیطی بین‌المللی، ترویج مشارکت همگانی، ارتقاء سطح آموزش‌های عمومی، بهره‌گیری

از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و... با موضوع پژوهش

از این‌رو این سوال در ذهن پیش می‌آید که:

- چه رابطه‌ای بین حقوق شهروندی و توسعه پایدار وجود دارد؟
- چارچوب‌های حقوقی در ایران تا چه حد می‌تواند به تحقق توسعه پایدار در ایران بیانجامد؟
- کدام سیاست‌ها و راهبردها می‌تواند منجر به توسعه حقوق شهروندی و به تبع آن توسعه پایدار کشور گردد؟
- نهادهای اجتماعی و سیاسی کشور چه کمکی در جهت بهبود روند تحقق اهداف توسعه پایدار می‌کنند؟

تعریف، مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

پس از بیان توضیحاتی مختصر در خصوص اهمیت دستیابی به توسعه پایدار از رهگذر حقوق شهروندی به تعریف برخی از مفاهیم می‌پردازیم.

توسعه پایدار

توسعه پایدار در حقیقت ایجاد تعادل میان توسعه و محیط زیست است. در سال ۱۹۸۰ برای نخستین بار نام توسعه پایدار در گزارش سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی (IUCN) آمد. این سازمان در گزارش خود با نام استراتژی حفظ منابع طبیعی این واژه را برای توصیف وضعیتی به کار برد که توسعه نه تنها برای طبیعت مضر نیست، بلکه به یاری آن هم می‌آید. بر این اساس هدف اساسی توسعه را بهره‌رساندن به انسان می‌دانند که به معنای بهبود کیفیت زندگی در قالب افزایش درآمد و گسترش اشتغال و رفاه عمومی که امکان بروز رسانی می‌یابد، می‌باشد. (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۵: ۱۱) پایداری دارای چهار جنبه در منابع طبیعی، پایداری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۵۰)

ابعاد شماتیک توسعه پایدار و شرایط تحقق پایداری توسعه (پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۸)



توسعه پایدار را می‌توان "مدیریت روابط سیستم‌های انسانی و اکوسیستم‌ها به منظور استفاده پایدار از منابع در جهت تامین رفاه نسل حال و آینده انسان‌ها و اکوسیستم‌ها" تعریف کرد.

مؤلفه‌های اصلی پایداری در منظومه معنایی توسعه را می‌توان به این صورت بر شمرده؛ نخست پایداری اقتصادی (سودآور بودن)، دوم پایداری اجتماعی (سازگار بودن)، سوم پایداری زیست محیطی (عدم تخریب زیست بوم)، چهارم پایداری ساختاری و سازمانی (دارا بودن اقتدار و صلاحیت و کارایی و موثر بودن ساختار مدیریت)، پنجم پایداری تکنولوژیکی (مناسب بودن فناوری) و ششم پایداری تعادل (هماهنگی پویا). (گودرزوند چگینی، ۱۳۹۴: ۲۱۷)

در توسعه پایدار، یکی از حوزه‌های اصلی که بر آن تاکید شده و نقش اساسی در تحقق توسعه پایدار را به همراه دارد ظرفیت نهادی است. نهادگرایی تنها در قالب روش، رهیافت و نظریه مربوط به مطالعه نهادهای سیاسی خلاصه نمی‌شود. در واقع تحلیل نهادی در مطالعات معاصر علوم سیاسی و مدیریت دولتی از یک سو بررسی‌های حقوقی قانون اساسی را شامل می‌شود و از سوی دیگر قلمرو اداره امور دولتی را در بر می‌گیرد. در حوزه نهادی بر نقش نهادها و ظرفیت‌های آنها در رویه‌ای شدن توسعه پایدار تاکید شده است. (زاهدی، نجفی، ۱۳۸۵: ۵۴)

توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل

در حوزه حقوق بین‌الملل، برای نخستین بار در سال ۱۹۸۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، «کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه» را تشکیل داد که در آن، سندی تأثیرگذار به نام «آینده مشترک ما» توسط گرو هارلم برونلاند نخست وزیر وقت نروژ، ارائه شد. این گزارش خواستار توسعه پایدار به عنوان مبنای هر فعالیت اقتصادی انسانی با تمرکز بر نگرانی نسبت به محیط زیست و پیوند آن با تلاش برای بالا بردن سطح زندگی فقرا در جهان بود. (Boyle, 2001). یک سال پس از گزارش نهایی برونتلند، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای تصویب کرد و خواستار تشکیل کنفرانسی در مقر سازمان ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه گردید که پس از دو سال بررسی، سرانجام کنفرانس مورد نظر در ژوئن ۱۹۹۲ در بیستیمین سالگرد کنفرانس استکهلم در مورد محیط زیست در ریودوژانیرو برگزار گردید. (World Commission on Environment and Development (WCED), 1987) این کمیسیون توسعه پایدار را اینگونه تعریف نموده است: «نوعی از توسعه است که نیازهای نسل حاضر را برآورده کند، بی آنکه توانایی نسل آینده را برای برآورده کردن نیازهای خود تضعیف نماید». (پورهایمی، ۱۳۹۰)

پس از پایان دهه ۱۹۸۰، در بیانیه کنفرانس ریو (۱۹۹۲)، بیان شد کلید حل مسائل این دوره در حوزه حفاظت از محیط زیست «توسعه پایدار» بوده است. مهمترین نتیجه این اجلاس جمع‌بندی آن به عنوان دستور کار ۲۱ است که بر اساس آن دولت‌ها موظف شدند، چارچوب استراتژیکی

برای ترکیب اهداف توسعه‌ای و زیست محیطی را برگزینند. (عمید، ۱۳۷۱: ۴۰)

بیانیه هزاره (نیویورک- ۲۰۰۰) با تعیین اهدافی راه توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را نشان می‌دهد: از میان بردن فقر و گرسنگی شدید؛ دستیابی به آموزش ابتدایی در همه جهان؛ توسعه برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان؛ کاهش مرگ کودکان؛ بهبود بهداشت مادران؛ مبارزه با بیماری ایدز و ویروس مولد آن، نیز به تلفیق اصول توسعه پایدار در سیاست‌ها و برنامه‌های کشور و معکوس کردن روند اتلاف منابع زیست محیطی اشاره می‌نماید. (United Nations Millennium Declaration (New York), September 2000) در سپتامبر سال ۲۰۱۵ میلادی سران دولت‌ها با تصویب دستور کار ۲۰۳۰ بر تعیین مسیری به سوی توسعه پایدار توافق کردند. این دستور کار که حاوی ۱۷ آرمان و ۱۶۹ هدف بلند مدت است. اهداف عملیاتی کمی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی توسعه پایدار را در نظر گرفته که باید تا سال ۲۰۳۰ تحقق یابند.

حقوق شهروندی

شهروندی در لغت، تبعه یک کشور بودن با احتساب حقوق و وظایفی که برعهده دارد را گویند. در دانش‌نامه سیاسی شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکالیفی داراست را دارد، این رابطه را شهروندی گویند. (آزرداد، ۱۳۸۹: ۱۲) امروزه شهروند به فردی اطلاق می‌شود که از حقوق مدنی و سیاسی کامل برخوردار باشد. شهروندی خاص اشخاص حقیقی است و برای اشخاص حقوقی چنین مفهوم و حقی متصور نمی‌باشد. (کاظم پور، ۱۳۹۶)

حقوق شهروندی در واقع مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌باشند. همچنین مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه به عنوان شهروند حکومت می‌کند، گفته می‌شود. بنابراین تعریف «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق و تکالیف مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد که چگونگی روابط مردم و دولت و موسسات شهری را در برابر یکدیگر را تنظیم می‌نماید. دارنده این حقوق یعنی شهروند، به تک تک افرادی اطلاق می‌شود که در جامعه زندگی می‌کنند. سابقه حقوق شهروندی را می‌توان از حیث دیرینگی به یونان باستان نسبت داد. (رضایی پور، ۱۳۹۴: ۹)

حقوق بشر و حقوق شهروندی

دارنده حقوق بشر، موجودی است که با عضویت‌اش در جامعه انسانی از آن منتفع خواهد بود در حالی که دارنده حقوق شهروندی، بنا به تعاریف ذکر شده شهروند تلقی می‌گردد. حقوق بشر، هر انسان، نهاد و اجتماع انسانی را مخاطب قرار داده و توصیه و فرمان می‌دهد در حالی که حقوق

شهروندی، اجتماعی با افراد خاص را در محدوده یک دولت-کشور مورد خطاب قرار می‌دهد. (پورهاشمی، ۱۳۹۰: ۱۶) "در مسئله حقوق بشر امر تابعیت نباید دخالت داده شود زیرا این حداقل حقوقی است که انسان در هر جا (ی جهان) که هست باید دارا باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۶۳۰)

تعریف نهاد

در معرفی و شناخت نهاد، تعریف یکسان و اجماعی که مورد توافق همه دانشمندان نهادگرا باشد وجود ندارد و هرکس مطابق تفکر و سلیقه خود به تعریف جداگانه‌ای از نهاد پرداخته است. به عنوان مثال لین و ناجنت نهاد را چنین تعریف کرده‌اند: مجموعه قواعد رفتاری ایجاد شده توسط انسان به منظور اداره و شکل دهی به تعامل‌های انسان‌هاست که تا حدی به آنها کمک می‌کند انتظاراتی از کنش دیگران داشته باشند. (متوسلی، ۱۳۸۹)

منابع حقوقی در رابطه با حقوق شهروندی و محیط زیست در ایران

از جمله اسناد بالادستی و میانی و سایر قوانین و حقوق شهروندی و زیست محیطی در رابطه توسعه پایدار به موارد ذیل اشاره می‌شود. در این راستا قوانین ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقیدی وجود دارد که قانونگذار با توجه به اهمیت موضوع به تصویب رسانده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

طریقه نگارش، محتوا و الزامات اصل پنجاه، مبین یکی از پیشرفته‌ترین اصول مربوط به محیط‌زیست (توسعه پایدار) در قانون اساسی است. با این همه در قوانین اساسی کشورهای مختلف در خصوص حق یا تکلیف بودن حفاظت از محیط‌زیست اختلاف‌هایی مشاهده می‌شود. برخی از قوانین اساسی آن را حق شهروندی و حفاظت از آن را تکلیف دولت معرفی کرده، برخی دیگر آن را حق شهروندی و تکلیف مشترک دولت و شهروندان قلمداد کرده‌اند. قانون اساسی ایران تکلیف حمایت و حفاظت از محیط‌زیست را بر عهده «عموم» نهاده است. بنابراین حفظ محیط‌زیست وظیفه‌ای عمومی است که شامل همه اعم از دولت و شهروندان می‌شود. همین‌طور اصول متعددی در حقوق ملت، وظایف و تکالیف متقابل شهروندان و حکومت و ...

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

سند چشم‌انداز به عنوان یک سند بالادستی و کلان قادر است تصویری واقع‌نگرانه، مطلوب و مورد انتظار از آینده را ترسیم نماید. در چشم‌انداز بیست ساله، ایران در سال ۱۴۰۴ دارای ویژگی‌های زیر است:

«ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی، فناوری در سطح منطقه با

هویتی اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل». (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی)

سیاست‌های کلی نظام در بخش محیط زیست

سیاست‌های کلی محیط زیست در ۱۵ بند ارائه شده است که در بسیاری از بندهای آن دستیابی به توسعه پایدار در کنار مشارکت شهروندان مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس بند اول به مدیریت جامع، هماهنگ و نظام‌مند منابع حیاتی (از قبیل هوا، آب، خاک و تنوع زیستی) مبتنی بر توان و پایداری زیست‌بوم بویژه با افزایش ظرفیت‌ها و توانمندی‌های حقوقی و ساختاری مناسب همراه با رویکرد مشارکت مردمی می‌پردازد.

قانون جنگلبانی ایران مصوب ۱۳۲۱

قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۱

قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶

آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۴۶

قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحیه ۱۳۷۱

قانون صید و شکار مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه ۱۳۵۳ و ۱۳۵۷

قانون جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴

قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳

قانون مدنی ج.ا. مصوب ۱۳۰۷ و آیین دادرسی مدنی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ و آیین دادرسی کیفری

یکی از ابزارهای مهم برای صیانت از امنیت زیست محیطی اتخاذ سیاست جنایی منسجم و جرم‌انگاری موثر می‌باشد. در این راستا به دلیل عدم کارایی کافی ضمانت‌اجراهای اداری و مدنی، نظام‌های قضایی مدرن سعی هر چه بیشتر در بکارگیری ابزارهای کیفری در جهت حفظ محیط زیست نموده‌اند. حقوق کیفری محیط زیست به طور جزئی یا کلی شامل بخش‌های متعدد از مقرراتی می‌شود که بر ملاک‌ها و محک‌های تاسیس یا بر محک‌های مادی و تعریف محیط زیست تاکید دارد.

در نظام کیفری ایران در حوزه محیط زیست جرم‌انگاری‌های متعددی صورت گرفته است (به طور مثال قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و اصلاح آن در سال ۱۳۹۲، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب سال ۱۳۵۳، قانون هوای پاک مصوب سال ۱۳۹۶ و قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳) که با توجه به تعداد قوانینی که با مسائل زیست محیطی به معنای عام آن مرتبط هستند، در این راستا قوانین نسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقیدی وجود دارد

که قانونگذار با توجه به اهمیت موضوع به تصویب رسانده است.

قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۰۴/۲۵

قانون هوای پاک شامل ۳۴ ماده بوده و ۱۳ آئین نامه دارد که ۹ ماده مربوط به معاونت محیط زیست انسانی مرکز ملی هوا، ۲ آئین نامه مربوط به وزارت کشور و یک آئین نامه مربوط به سازمان انرژی اتمی است. مواردی هم هست که نیازمند آئین نامه نیست بلکه دستورالعمل‌ها و مقرراتی را می‌طلبد که سازمان محیط زیست آن را دنبال می‌کند.

قانون (ماده واحده) حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲/۲/۱۵

رویکرد این قانون بیش از هر چیز اصلاً آیین دادرسی در محاکم دادگستری است.

منشور حقوق شهروندی ۱۳۹۵

در واقع توضیح و تشریح بخش سوم قانون اساسی در تبیین حقوق ملت است و شامل دو بخش عمده است؛ بخش نخست به تبیین حقوق اساسی و مدنی شهروندان می‌پردازد که دستیابی به محیط زیست مطلوب و توسعه پایدار نیز در این مقوله قرار می‌گیرد و بخش دوم آن، شامل سازوکار اجرا و نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی است. انتشار این منشور تا آنجا که به‌مثابه میثاقی جدید میان حکومت و شهروندان ثبت شود، اقدامی مهم و در خور اعتناست لیکن در زمره قواعد الزام آور محسوب نمی‌گردد.

و ...

حقوق شهروندی و اجرای اهداف توسعه پایدار

توسعه پایدار بر یکپارچگی اقتصادی- محیطی، حفاظت محیطی، تعهد بین نسل‌ها و عدالت درون نسلی و بین نسلی، کیفیت زندگی و مشارکت کلیه شهروندان جامعه در فرآیند توسعه تاکید دارد و زمانی عینیت می‌یابد که اولاً کیفیت زندگی انسان را بهبود بخشد و ثانیاً قابلیت زیست کره زمین را حفظ کند. در مورد ارتقای کیفیت زندگی انسان، سیاست‌های توسعه باید به گونه‌ای تدوین شود که زمینه تعالی همه آحاد جامعه را فراهم آورد؛ سلامت جسم و روان آنها را تدارک ببیند؛ امکانات آموزشی، پرورشی، بهداشتی و رفاهی را در حد یک استاندارد شایسته زندگی در اختیار انسان بگذارد؛ امنیت سیاسی، اقتصادی و قضایی را برای او تامین نماید، به صورتی که روابط انسانی مناسب بین افراد خانواده‌ها و در کل جامعه در سطوح محلی و سازمانی و ملی برقرار گردد. (احمدی، حاجی نژاد، ۱۳۸۹: ۹)

بررسی حقوق شهروندی و توسعه پایدار در سطح ملی

به نظر می‌رسد در جامعه ایرانی دو عامل اساسی در برقرار نشدن قرارداد اجتماعی برای توسعه پایدار تأثیرگذار بوده است: اول اینکه، «ایران» در اندیشه‌های برخی دولتمردان و به تبع آنان،

قسمی از مردم محوریت ندارد. به جای آن که اندیشه‌ها و برنامه‌ها در خدمت زندگی بهتر باشد، گاه تصمیم‌گیری‌ها در حوزه روابط خارجی وحتى مسائل داخلی، ایران‌محور نبوده است. عامل دوم، عدم وجود تفاهم میان شهروندان است. تفاهم اجتماعی برای رسیدن به توسعه زمانی به وقوع می‌پیوندد که تمام جریان‌های موجود در جامعه با هم گفت‌وگو کنند و از تلاقی آنها قرارداد اجتماعی شکل بگیرد که البته می‌تواند جنبه تکاملی پیدا کند.

تاریخچه‌ای از حقوق شهروندی در ایران

به اعتقاد بسیاری از مورخین، قدیمی‌ترین سند تاریخی در زمینه حقوق بشر فرمان کورش کبیر پس از فتح بابل است. عباراتی که اسناد تخت جمشید به دست آمده حاکی از آن است که در ساختن تخت جمشید هیچ‌کس به بیگاری گرفته نشده و اسناد به دست آمده نشان دهنده پرداخت حقوق کارگران بوده است. در نظام اسلامی، شخص (شهروند) موجودی است که دارای حق و تکلیف است، به عبارت دیگر دو عنصر تشکیل‌دهنده شخصیت انسان «حق و تکلیف» است. یعنی نظام اسلامی به همان اندازه از نظر دینی، سیاسی و اجتماعی تکالیفی را بر عهده انسان نهاده است، در مقابل آن مجموعه تعهداتی بنام «حقوق» در مقابل او برعهده دارد که اولین آن حق «حیات» است. (وردی نژاد، ۱۳۷۷)

آخرین سند در احقاق حقوق شهروندی، منشور حقوق شهروندی است که روز بیست و نهم آذرماه ۱۳۹۵ در همایش قانون اساسی و حقوق ملت با حضور جمع زیادی از وکلا، حقوق دانان و اساتید و کارشناسان رونمایی و به امضای دکتر روحانی رئیس جمهور وقت رسید. (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵)

نقش و اهمیت نهادها در توسعه

نهادهای خوب کلید رشد و رفاه هستند. شناسایی این که چرا نهادها در بسیاری از کشورهای فقیر امروزی به خوبی عمل نمی‌کنند اهمیت اساسی دارد.

در واقع نهادها دارای نقش‌ها و کارکردهای زیر می‌باشند:

- برای انسان‌ها نقش‌های گوناگونی مشخص کرده و انتظاراتی از آنها را نیز تعریف می‌کنند.
- رفتارهای افراد جامعه را تنظیم و بر آنها نظارت می‌کنند.
- نهادها، می‌توانند با مطالبه‌گری و توجه به نقش‌های تعیین شده حقوق مورد نظر افراد جامعه را تنظیم نمایند. (کاظمی، ۱۳۹۲)

عواملی که اثر نهادها را در توسعه مشخص می‌کنند عبارتند از:

- نهادها برای توسعه ضروری بوده و باید هم چنین در سیاست هم در نظر گرفته شوند.

- مداخله نهادی با یک چهارچوب سیاسی که برای همه مناسب باشد یا ملاک‌های ساده انگارانه برای مداخله امکان پذیر نیست. (Rodriguez, 2013)

- نتیجه اصلی مداخله نهادی برای توسعه بیشتر به این بستگی دارد که چگونه تداخل تنگناهای نهادی می‌توانند نقش موثری را ایفا کرده و مطالبه‌گری خود را انجام دهند.

نقش و جایگاه قوای سه گانه کشور در عرصه اجرا و تضمین حقوق شهروندی در راستای توسعه

پایدار

به منظور نیل به بسترهای قانونی مناسب در راستای توسعه حقوق شهروندی و توسعه پایدار لازم است قوای سه گانه نقش خود را به درستی ایفا کنند.

نقش قوه مقننه در تضمین حقوق شهروندی

امروزه حکمرانی خوب به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم توسعه یافتگی به شمار می‌رود. در این راستا توسعه پایدار به عنوان بخش مهمی از حکمرانی خوب، نیازمند وجود نهادهای موثر، مسئول و پاسخگو، مبارزه کننده با فساد و جرایم سازمان یافته، مشارکت در اداره جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر حکمرانی خوب به عنوان زیربنای توسعه پایدار نیازمند استراتژی ملی موثر است. همانگونه که در مقدمه دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار آمده است، پارلمان‌های ملی نقش اساسی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار از طریق تصویب قوانین، اطمینان از وجود مکانیزم‌های موثر پاسخگویی و تصویب بودجه جهت اجرای موثر تعهدات دارند. این سند رسیدن به اهداف توسعه پایدار را مستلزم اتخاذ یک رویکرد جامع براساس همکاری و مشارکت از طریق فرایندهای سیاسی باز و همچنین نهادهای پاسخگو می‌داند. این امر به این دلیل می‌باشد که مساله قانون‌گذاری در جهت توسعه پایدار و حقوق شهروندی در بیست سال اخیر و به خصوص بعد از سال ۲۰۱۵ از موضوعی ملی به مساله‌ای بین‌المللی تبدیل شده است. اجرای تعهدات بین‌المللی کشورها (اگر چه به صورت حقوق نرم) در جهت اهداف توسعه پایدار مستلزم قانونگذاری ملی موثر و کارا می‌باشد. در اینجا دو صفت موثر و کارا در قانون‌گذاری به معنای درک و پذیرش واقعی و عملی مفهوم توسعه بر اساس پایداری محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد به گونه‌ای که تمام قوانین در تمام حوزه‌ها به طور هماهنگ و مرتبط با یکدیگر بر اساس استراتژی ملی و سیاست‌های مبتنی بر اصول توسعه پایدار تنظیم شده باشند. در این راستا برخی اصول به عنوان اصول بنیادین قانونگذاری ملی در جهت توسعه پایدار شناخته شده‌اند از جمله: ۱- حکمرانی خوب بدین معنا که تصمیمات باید بر اساس مدارک و نیازهای واقعی باشند و نیز شامل تمامی اقشار جامعه گردند که قابل بازبینی و تغییر در جهت کارایی باشند. ۲- اصل سلامتی و رفاه جامعه که بر اساس ان تصمیمات بایستی منجر به توسعه زیربنای اقتصادی و اجتماعی جامعه گردند. ۳- اصل حفظ و بهبود محیط زیست و منابع

طبیعی که بر اساس آن تصمیمات می‌بایست محیط زیست را به عنوان پایه سلامتی، رفاه و ثروت انسان مورد شناسایی قرار دهند.

علی‌رغم نقش مهم این اصول در طراحی قوانین توسعه پایدار، قوانین موثر در جهت اجرای اهداف و سیاست‌های توسعه پایدار نیازمند برخی شاخصه‌ها می‌باشند. از جمله:

۱- مشارکت، مشوق‌ها و توانمندسازی: قانونگذاری در جهت توسعه پایدار در کلیه مراحل (از جمله مطالعه، ارائه طرح، بررسی، نگارش و اجرا) می‌بایست تمامی افراد و گروه‌های ذینفع مانند گروه‌های محلی، صاحب مشاغل مختلف، جامعه مدنی و متخصصین را مد نظر قرار دهد.

۲- ارتباط و همسو کردن دولت و جامعه با جریان توسعه پایدار: قانونگذاری موثر می‌بایست از تلفیق مسایل توسعه پایدار با تمام بخش‌های دولت مخصوصاً با نهادهای مسئول تصمیم‌گیر درباره امور اقتصادی اطمینان حاصل نماید.

۳- قوانین می‌بایست همسو با نیازها و اولویت‌های توسعه‌ای کشور باشند: قوانین می‌بایست از حق شهروندان بر رفاه و سلامتی حمایت نمایند. در این راستا حفاظت از اکوسیستم می‌بایست در اولویت تمام قوانین و برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرد.

۴- انعطاف پذیری و پاسخگو بودن قوانین: قوانین می‌بایست بتوانند نیازهای توسعه‌ای کشور را با تغییرات و پیچیدگی‌های جهان امروز (باتوجه به اصول توسعه پایدار) وفق بدهند.

تضمین حقوق شهروندی در راستای توسعه پایدار از طریق قوه قضاییه

در مبحث حقوق شهروندی جایگاه رفیع قانون اساسی بویژه در جایی که حقوق شهروندان، محیط زیست و توسعه پایدار را در کنار هم مدنظر قرار داده (اصل ۵۰) بیشتر از گذشته نمایان می‌گردد... اصل ۱۵۶ قانون اساسی می‌گوید: قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشنده به عدالت است. استقلال قوه قضاییه به نحوه نصب دادرسان و منوط به غیر قابل عزل و انتقال بودن آنها و اعتبار آراء قضایی صادره از سوی آنهاست. (عباسی، ۱۳۸۱: ۲۲۹)

مشکلات نظام تقنینی ایران و توسعه پایدار

نظام تقنینی در ایران علی‌رغم بهره‌مندی و بکارگیری بخش‌ها و تکنیک‌های شناخته شده برای یک سیستم سیاسی مدرن، به دلایل زیر فاقد کارایی لازم در بحث توسعه پایدار و حقوق شهروندی است.

۱- عدم وجود همکاری موثر میان قوه مقننه و قوه مجریه: قوه مقننه کارا علاوه بر قانونگذاری می‌بایست بر اجرای قوانین توسط نهادهای اجرایی نظارت مستمر داشته باشد. علی‌رغم تشکیل

کمیته‌های مرتبط با توسعه پایدار در دستگاه‌های اجرایی از جمله کمیته ملی توسعه پایدار در سازمان حفاظت محیط زیست و فراکسیون محیط زیست و توسعه پایدار مجلس، همکاری موثر و واقعی میان این نهادها وجود ندارد.

۲- عدم اجرای قوانین: عدم اجرای قانون یکی از بزرگترین چالش‌های نظام حقوقی در حوزه توسعه پایدار و حقوق شهروندی است. از عوامل وجودی آن می‌توان به عدم وجود خواست واقعی نهادهای حاکمیتی در اجرای قوانین مرتبط با توسعه پایدار، عدم آگاهی نهادهای اجرایی و مردم، فساد، عدم نظارت و پاسخگویی موثر مجلس و دستگاه‌های اجرایی و فقد ضمانت‌های اجرایی کافی و مناسب قوانین اشاره نمود.

۳- ضعف ارتباط میان قوه مقننه و قوه مجریه با نهادهای مدنی و تجاری از جمله اتحادیه‌های تجاری، کارگری و ...

۴- تورم قوانین: تورم قوانین از بیش فعالی قانونگذاری در کشور از طریق قوه مقننه و از طریق قوه مجریه ناشی می‌شود. نهادهای قانونگذاری بدون کارشناسی دقیق یک قانون، ارزیابی آثار و زمان تصویب آن اقدام به قانون‌گذاری می‌نمایند. در این حالت نظام حقوقی دچار تورم گشته که در نتیجه شاهد افزایش در کمیت قوانین و نه در کیفیت اجرا و نظارت می‌باشیم.

۵- قانون‌گذاری پراکنده: از اشکال قانون‌گذاری پراکنده در ایران می‌توان به بدین ترتیب دسته بندی نمود: ۱- اصلاح یک یا چند قانون در ضمن تصویب قانون دیگر؛ ۲- حکم به عدم اجرا یا لغو یک حکم قانونی در قانون دیگر؛ ۳- رویه‌های متنوع نسخ قوانین؛ ۴- استثناء شمول برخی از قوانین از حکمی قانونی؛ ۵- شیوه‌های گوناگون و مبهم قانون‌گذار در نسخ مقررات. (المیری و مهدیزاده، ۱۳۹۴)

نقاط قوت و ضعف قوانین داخلی در خصوص حقوق شهروندی و توسعه پایدار

در رابطه با مبحث حقوق شهروندی و توسعه پایدار در قوانین داخلی نقاط مثبت و منفی وجود دارد که در ادامه به تحلیل این موارد پرداخته می‌شود.

نقاط قوت موجود در قوانین داخلی

- پیش بینی حقوق شهروندی در قانون اساسی، سند چشم انداز و تأکید مسئولین بر حسن اجرای آنها را باید گامی اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی ارزیابی کرد.
- اصل ۵۰ قانون اساسی در رابطه با مساله حفاظت محیط زیست، مشارکت شهروندان در حفظ آن برای نسل‌های آینده را در کنار کار توسعه‌ای قابل قبول می‌داند که در راستای حفاظت محیط زیست باشد. در این اصل اهمیت و جایگاه حقوق محیط‌زیست به بهترین شکل در آن متبلور شده و پیام‌آور این مهم است که مسائل زیست محیطی کاملاً فرابخشی هستند و تمامی

آحاد جامعه از شهروندان جامعه تا سازمان‌ها و دستگاه‌ها هر یک به فراخور کارایی تشکیلات خود باید در حفظ محیط‌زیست کوشا باشند. اصل ۵۰ یک استثناء بر کل قوانین زیست محیطی کشور است و نیز یکی از مترقی‌ترین اصول قانون اساسی محسوب می‌گردد که نگاه آن، نگاه توسعه پایدار است و در این راستا هر فعالیت اقتصادی را در هر سطحی اگر با حفظ محیط زیست و عدم آلودگی مغایرت داشته باشد، ممنوع اعلام می‌کند.

- در سند چشم‌انداز بیست ساله، جامعه ایرانی در سال ۱۴۰۴ بهره‌مند از یک محیط زیست مطلوب است. متن سند نشان می‌دهد که نظام حقوقی تلاش کرده تا محیط زیست سالم را مورد شناسایی و حمایت قرار دهد. «حق بر محیط زیست» مجموعه‌ای از حقوق است که انسان‌ها برای رشد مناسب و سلامتی خویش باید از آن بهره‌مند باشند.

- انتشار منشور حقوق شهروندی در واقع نوعی اقدام برای فرهنگ‌سازی و تقویت روابط اجتماعی بر مبنای فرهنگ شهروندی است. دولت با توجه به تدوین منشور حقوق شهروندی در واقع به مردم اعلام می‌کند و این اقدامی تحسین برانگیز از سوی دولت محسوب می‌شود. پس، منشور حقوق شهروندی می‌تواند دو کارکرد مهم داشته باشد. یکی اینکه چراغ راهنمای دولت باشد. دوم آن که جنبه فرهنگ‌سازی داشته باشد. یعنی در شهرها و روستاها و نقاط دورافتاده کشور دست به دست بچرخد و شهروندان را با حقوق خودشان آشنا کند. این منشور کف‌های قابل شناسایی برای ملت ایران است و در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است.

نقاط ضعف موجود در قوانین داخلی

- فقدان برنامه‌های آموزشی مدون آموزش مهمترین رکن برنامه‌ریزی جامعه است. توسعه پایدار زمانی تحقق می‌یابد که اطلاعات زیست محیطی در میان مردم گسترش یافته و مشارکت مردم دو چندان گردد. گرچه اصل سوم و سی‌ام قانون اساسی مبحث آموزش و پرورش رایگان شهروندان را مدنظر قرار داده اما متأسفانه به این مقوله مهم در سایر قوانین داخلی ما توجه چندانی نشده است.

- ناکارآمدی قوانین

بسیاری از قوانین مرتبط با حقوق شهروندی همچون قانون اساسی به جهت کلی بودن و همچنین نامشخص بودن دستگاه‌های قانونی جهت تعیین حدود قانونی دارای ابهام می‌باشد که هنگام اجرا موجب تفاسیر متفاوت می‌شود.

- عدم دقت نظر در تنظیم قوانین

اغلب قوانین با چالش‌هایی همچون عدم دقت نظر در پیش‌بینی و تنظیم حقوق متقابل شهروندی، عدم حضور شهروندان در فرآیند تهیه، بررسی و تصویب برنامه‌های توسعه، مشخص

نکردن حقوق و وظایف متقابل شهروندان در امور، فقدان برنامه‌های اطلاع‌رسانی مدون مواجه هستند.

- تکرار قوانین

به نظر می‌رسد قانون آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تنها تکرار اصول و حقوق مندرج در قانون اساسی و برخی از مواد قوانین کیفری و همان آئین دادرسی منصفانه است و موارد چندان جدیدی را مطرح نمی‌کند.

- عدم شفافیت

در قوانین برنامه‌ای توجه به حقوق شهروندی چندان شفاف نیست.

- عدم انسجام قوانین

فقدان سیاستگذاری منسجم منجر به پراکندگی قوانین و عدم هماهنگی میان آنها شده است.

تدوین قوانین حقوق شهروندی ایران برای نیل به توسعه پایدار

با عنایت به نقش آفرینی قوانین و مقررات و نهادهای حاکمیتی در شناخت صیانت از حقوق شهروندان می‌توان گفت که تحقق حقوق شهروندی در راستای توسعه پایدار نیازمند یک حرکت دو سویه است، یکی حرکت از بالا به پایین (فرصت دهی و مشارکت جویی ساختار کلان جامعه) و حرکت از پایین به بالا (مشارکت و فعالیتهای اجتماعی شهروندان به ویژه در عرصه عمومی) است. از این رو موارد زیر جهت ارتقاء حقوق شهروندی با توجه به مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها پیشنهاد می‌گردد:

- تدوین برنامه ریزی جامع جهت آگاهی سازی در زمینه‌های مختلف تضمین حقوق اجتماعی

از جمله حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار، وظایف و شان شهروندی افراد جامعه و شناسایی موانع، منابع، و اولویت بندی آنها

- نظارت قضایی بر اعمال دولت مهمترین زمینه برای تحقق حقوق شهروندی است. اما نظام

تضمین و ضمانت اجرا هم باید به گونه‌ای باشد که امکان تخطی و تخلف از آراء و اوامر نظام نظارت را به حداقل ممکن برساند.

- تاکید بر مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در تامین نیازهای شهروندان و فرهنگ سازی حقوق

شهروند و ارتقاء سطح آگاهی آنها از طریق رسانه و مسئولیت سازمان‌ها در این زمینه.

- نهایتاً اینکه وضعیت «منشور حقوق شهروندی» در سلسله مراتب نظام حقوقی کشور مشخص

نیست؛ چراکه استفاده از عنوان «منشور» برای متون حقوقی داخلی از سابقه چندان بی‌برخوردار نبوده لذا تصویب این سند در مجلس شورا و استقرار آن در اعداد قوانین الزام‌آور گامی بسیار موثر و اساسی در راستای ارتقا حقوق شهروندی خواهد بود. البته با بررسی همین موارد معدود نیز می-

توان اراده قانونگذار در خصوص استفاده از عبارت «منشور» را تفسیر نمود؛

با مطالعه قوانین و مقررات حقوق شهروندی در برخی کشورهای توسعه یافته می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای داشتن قانونی که حقوق شهروندی و توسعه‌ای پایدار را در کنار هم در نظر بگیرد مسلماً باید دارای چارچوب و ابعاد حقوقی زیر باشد:

- استناد متن مقدماتی به اسناد حقوقی بالادستی
- تعیین احکام قانونی در زمینه حقوق شهروندی و نحوه دستیابی به توسعه پایدار در این زمینه
- تعیین ضمانت اجرای قانونی مکفی و متناسب ناشی از تخلف از مقررات قانون
- مشخص کردن دستگاه‌های مسئول و متولی هریک از بخش‌ها و تکالیف آنها و نحوه ارتباط و هماهنگی بین دستگاه‌های مذکور و تعیین یک نهاد یا شورا یا کمیسیون هماهنگ کننده در صورت لزوم

- تعیین آیین نامه‌های اجرایی قانون و مهلت دولت برای تصویب آنها
- چنین قانونی باید از جامعیت و کلیت لازم برخوردار باشد، به این معنا که با توجه به چالش‌های موجود همه موضوعات مربوط به حقوق شهروندی و توسعه پایدار را در برگیرد.

- بتواند خلاءها و نواقص قوانین و مقررات مورد عمل فعلی را پوشش داده و قابلیت پاسخگویی به نیازهای فعلی حوزه حقوق شهروندی و توسعه پایدار را داشته باشد.
- شفاف، صریح، بدون ابهام و بدون قابلیت تغییر و تفسیر متعدد، دربرگیرنده تمام قواعد قانون نویسی.

- از جدیدترین الگوها و دستاوردهای حقوقی و قانونی در زمینه حقوق شهروندی برخوردار باشد. به عنوان مثال، پیش‌بینی تاسیس موسسات توسعه پایدار در شهرهای مختلف ایران در قانون حقوق شهروندی.

- وارد نمودن اصطلاح «شهروندی زیست محیطی» در قوانین مربوط به حقوق شهروندی. شهروندی محیط زیستی، افراد، جوامع و سازمان‌ها را تشویق می‌کند که به عنوان ساکنان سیاره زمین در رابطه با حقوق و تکالیف زیست محیطی خود تفکر کنند. این اصطلاح به معنای مراقبت از زمین و حفاظت از محیط زیست محسوب می‌شود.

- چنین قانونی باید این امکان را برای مردم عادی فراهم سازد که شهروندان هرچه بیشتر در روند تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی حضور داشته باشند.

- توجه بیش‌ازپیش به آموزش شهروندان در رابطه با حقوق شهروندی و حفاظت محیط زیست امری ضروری است.

جامعه پایدار را می‌توان بستری برای رسیدن به اهداف پایداری دانست (بحرینی، ۱۳۷۸) که رفاه اجتماعی شهری، اعاده حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی شهروندی و توسعه انسانی همراه با

رضایت اجتماعی شهروندی را به همراه می آورد که در واقع موتور محرک و مهمترین الزام در تحقق توسعه پایدار است و لذا دستیابی به توسعه پایدار مستلزم توجه و رعایت پایه های اصلی توسعه انسانی است. برخی از این اصول عبارتند از:

- عدالت و برابری که شامل برابری درون نسلی، درون کشوری، بین کشورها و بین نسل ها است.
- مشارکت و وفاق به این معنی که مشارکت وسیع در تصمیم گیری یکی از پیش نیازهای توسعه پایدار است.
- مردم محوری به این معنا که محور بودن انسان ها یک اصل اساسی است که با پارادایم پایداری و فلسفه آن و نیز با اصل مشارکت و وفاق همخوان است.
- انعطاف پذیری سیستم: به معنی قدرت و ظرفیت یک نظام در حفظ موجودیت خود در مقابل اختلالات و تغییرات بیرونی.

تحقق حقوق شهروندی ← توسعه انسانی ← تحقق توسعه پایدار

راهبردهای ضروری برای تدوین سیاست های توسعه پایدار می بایستی بر چهار اصل بنیان گذاشته شوند تا امکان رفاه و رضایت اجتماعی و بهبودی زندگی جمعی امکان پذیر گردد:

- شهروندان می بایستی در مرکز توجه قرار گیرند.
- مدل های توسعه می بایستی بر اساس فناوری سازگار با محیط زیست باشد.
- بایستی با انگیزه قوی ارزش درست محیط زیست را در تمام فرآیندهای تصمیم گیری انعکاس داد.
- مدل های توسعه پایدار بایستی مبتنی بر زمینه سازی مشارکت همگانی و الثفات به وضع جامعه باشد.

سیاست های راهبردی کلان جهت ارتقا وضعیت موجود در قالب سند فرادستی در حوزه حقوق شهروندی

انقلاب اسلامی ایران با صبغ ارزشی تلاش نمود با تدوین و استوار نمودن نهادهای حکومتی و با تدوین قانون اساسی با الهام از آموزه های دینی، روابط متقابل میان دولت و شهروندان و حدود اختیارات قوای حکومتی را مشخص سازد. به نظر می رسد صرف رونمایی از منشور حقوق شهروندی فارغ از نیت خوانی های بدبینانه ی مطروحه، اقدامی رو به جلو به شمار می رود. قدم بعدی، دمیده شدن روح این منشور در سایر قوانین و آیین نامه های کشور است. قوانین و مقررات کشور باید با منشور حقوق شهروندی به عنوان یک سند بالادستی در هماهنگی کامل باشند و مواردی که ناقض حقوق شهروندی هستند، لغو یا اصلاح شوند. همچنین، با توجه به اهمیت موضوع، باید مرجعی

متشکل از قوای مختلف به منظور نظارت بر اجرای صحیح این قانون در نظر گرفت.

سیاست‌هایی جهت کاهش بحران‌ها و آلودگی‌های محیط زیست

به عنوان گامی در راستای تحقق توسعه پایدار بویژه در حوزه‌های آب، خاک، هوا، انرژی، امنیت غذایی، جنگل زدایی و بیابان‌زایی، کشاورزی ناکارآمد، جمعیت و توزیع ناهمگون آن، مدیریت نامناسب و عطش توسعه.

بدین منظور لازم است ملاحظات ذیل در کشور در نظر گرفته شود تا دست یابی به اهداف توسعه پایدار امکان پذیر گردد:

ملاحظات اجتماعی و فرهنگی

اگر فرآیند توسعه، افراد به جای اشیا مدنظر قرار گیرد، توسعه را بر حسب بهبود کیفیت زندگی می‌توان ارزیابی کرد. لذا در توسعه پایدار باید دستیابی به شناختی از ویژگی‌های اجتماعی، روانشناختی و فرهنگی الزامی گردد و التفات به حقوق شهروندی مورد توجه قرار گیرد. توسعه پایدار، جز از طریق مشارکت شهروندی امکان‌پذیر نمی‌شود. توجه به ملاحظات فرهنگی در توسعه پایدار از این جهت مهم است که پایداری جز از طریق نگاه همه جانبه به مضامین اجتماعی حاصل نمی‌گردد و در نتیجه باید در راستای بهبود کیفیت زندگی جمعی بر مضامین اجتماعی تاکید نمود.

ملاحظات زیست محیطی

چالش‌های دهه ۱۹۸۰ به شکل‌گیری سیاست‌های عملی میان توسعه و محیط زیست انجامید که به تدوین استراتژی حفاظت جهانی (WCS) توسط اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (IUCN)، برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP) انجامید. در رویکردهای جدید بر توسعه پایدار، حفاظت محیط زیست به بهای از بین رفتن رشد اقتصادی یا کاهش رفاه اجتماعی پذیرفته نمی‌باشد. با این رویکرد است که ضمن حفاظت از محیط زیست شهری که بی شک ترمیم آن افزایش رفاه شهروندی را نیز به همراه خواهد داشت، امکان توسعه پایدار شهری همگام با توسعه انسانی پایدار و در بستر شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری مشارکت شهروندی فراهم می‌آید. برخی از ملاحظات زیست محیطی توسعه پایدار شهری در راستای افزایش رفاه شهروندی عبارتند از:

- سالم سازی فضای زیستی و بهداشت اکولوژی
- کاهش آلاینده‌های هوا، آب، خاک و صوت
- ایمن سازی سکونت گاه‌ها در برابر سوانح طبیعی
- بستر سازی جریان چرخه‌ای بازیافت مواد در اکوسیستم‌ها
- گسترش فضاهای تصفیه کننده و توسعه و احیای جنگل‌ها و فضاهای سبز درون شهری

- کاهش استفاده از وسایل آلاینده محیطی بوسیله آموزش شهروندی

ملاحظات اقتصادی

در راستای افزایش رفاه شهروندی در بستر توسعه پایدار، باید تلاش بر آن باشد تا ضمن توجه به تمام طبقات اجتماعی، امکان بهره‌مندی همگان از خدمات با نرخ بهینه فراهم شود. بدون رفع مشکلات اقتصادی شهروندان، نمی‌توان توسعه پایدار را در سیستم ایجاد کرد از این‌رو باید اقدامی اساسی در جهت حل تورم اقتصادی، نابرابری بهره‌مندی از درآمد ماهیانه و... برداشته بشود. این مهم در روند توسعه پایدار دشوارترین بخش است که باید در راس اهداف سیاست‌های دولتی در راستای توسعه پایدار مبتنی بر توسعه انسانی قرارگیرد، زیرا، بدون تامین حداقل مایحتاج زندگی نمی‌توان انتظار ایجاد رفاه اجتماعی همگانی را داشت. اهم ملاحظات اقتصادی عبارتند از:

- تأمین رشد و توسعه اقتصادی شهرها و روستاها
- کاهش هزینه حمل و نقل عمومی
- تأمین و بستر سازی رشد اقتصادی
- بهبود سطح خدمات اقتصادی و کاهش هزینه تورم
- کاهش هزینه سرانه خدمات برای افزایش رفاه اجتماعی

ملاحظات سیاستی و مدیریتی و اجرایی

سیاست‌های موسوم به توسعه می‌توانند فرآیند کاهش یا افزایش پیوسته سطح زندگی را به‌همراه داشته باشند. (مارک هنری، ۱۳۷۴: ۹۶) این تفکیک می‌تواند بر جدایی‌گزینی طبقاتی دامن زند و تنها امکان زندگی مطلوب را برای قشر خاصی فراهم نماید. بر این اساس بنظر می‌رسد بایستی سیاست‌های کلان مورد بازنگری قرار گیرند و امکان ارائه متناسب تسهیلات و خدمات، برای همگان و در راستای توسعه پایدار انسانی فراهم گردد. این مهم جز از طریق تدقیق در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان میسر نمی‌گردد که بایستی به تغییر نگرش در سیاست‌ها و جایگزینی روش‌های کارآمد در نظام برنامه ریزی کشور بینجامد تا امکان زندگی مطلوب و افزایش رفاه شهروندی را در بستر توسعه پایدار مبتنی بر توسعه انسانی و توجه به سرمایه اجتماعی فراهم گرداند. برخی از این سیاست‌ها عبارتند از:

- مبادله اطلاعات توسعه پایدار و همکاری در مطالعات مقایسه‌ای
- مشارکت نهادهای شهری با نهادهای عمومی شهروندی
- آموزش و اطلاع رسانی و تعلیم و تربیت همگانی
- جایگزینی در نظام برنامه ریزی از بالا به پایین
- تغییر نگرش در طرح‌ها و سیاست‌های شهرها و روستاها

ملاحظات حقوقی

اختلافی که کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر سر پذیرش مفهوم توسعه پایدار دارند، ناشی از این طرز تفکر است که توسعه پایدار الگویی واحد برای تمامی کشورها فرض شده است. اما تاکید بیش‌تر اسناد سازمان ملل در خصوص توسعه پایدار بر این است که کشورها بر اساس شرایط خود قوانین شفاف و پاسخگو وضع نمایند. بنابراین، در عرصه حقوق داخلی در راستای نیل به توسعه پایدار و داشتن محیط زیستی سالم که یکی از حقوق مطرح شده در منشور است، بهترین پیشنهاد، الزام قانونی منشور حقوق شهروندی توسط دولت و مجلس و تضمین سازوکارهای اجرایی پر قدرت بوده تا بدین وسیله حوزه تاثیر و روند اجرایی آن مشخص گردیده و در نهایت عملیاتی گردد.

نتیجه گیری

با توجه مطالب فوق، مفهوم شهروند و شهروندی در طول تاریخ همواره دچار نوسان بوده است. حقوق شهروندی به مجموع حقوقی است که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تامین نموده که محتوای آن نیز ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد. از طرفی، توسعه پایدار یک تغییر مهم در فهم رابطه انسان و طبیعت و انسان‌ها با یکدیگر ایجاد نموده است. توسعه برای رفاه و تعالی بشر صورت می‌گیرد پس محور اصلی آن مردم هستند، از این‌رو مشارکت شهروندان از کلیدی‌ترین مفاهیم در فرآیند توسعه شناخته شده است.

به طور کلی، شرایط شهروندی منعکس کننده اهداف جامعه سیاسی برخورداری از منافع مشترک و کمک به آزادی شهر می‌باشد. بر اساس این دریافت، افراد به واقع در نتیجه مشارکت در یک زندگی مشترک، دارای حقوق و تکالیفی می‌باشند که در پی چنین تجربه مشترکی، شهروندان نسبت به یکدیگر تعهدات اخلاقی نیز پیدا می‌کنند. (رضایی پور، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۳)

آنچه مسلم است به صرف جمع شدن افراد در مکانی، شهروندی بوجود نمی‌آید. افراد زمانی لقب شهروندی را گرفته که حقوق خود را بشناسند و به آنها عمل نمایند تمام شهروندان با همدلی برای رسیدن به نقطه اوج که همان توسعه پایدار شهری می‌باشد. تلاش خواهند کرد. (مختاری، ۱۳۹۴: ۵)

از آنجاکه در کشورهای در حال توسعه اکثر امور مهم اقتصادی و اجتماعی با محوریت حاکمیت انجام می‌گیرد، لاجرم بازیگر اصلی توسعه اجتماعی نیز دولت می‌باشد. بعلاوه هرچند نقش مردم، نهادها و گروه‌های مردمی و غیردولتی در اینگونه جوامع بسیار مهم‌اند، لکن دولت با ظرفیت‌های خود به همه امور در این زمینه جهت می‌دهد. (باقری بنجار و مرجانی، ۱۳۹۶: ۲۱)

در مورد ارتباط حقوق بشر و توسعه پایدار در عرصه بین‌المللی باید اذعان داشت که نسل گذشته سرمایه عظیمی را برای نسل حاضر به ارث گذاشت ولی به نظر می‌رسد این نسل نمی‌تواند دین خود را نسبت به آیندگان ادا نموده و چیزی درخور برای آن‌ها به ارث بگذارد. در سطح جهانی،

تخریب لایه اوزن، بارش‌های اسیدی، تاثیرات گلخانه‌ای و در سطح ملی، مسایل زراعی و مدیریت منابع آب‌ها، جنگل زدایی، انواع آلودگی‌های آب و خاک و هوا، شکار غیرقانونی و... را شاهدیم که همگی حاصل فعالیت‌های انسانی‌اند. نیاز به کسب دانش جدید به منظور دستیابی به منابع جدید اطلاعات و کشف دیدگاه‌ها و استراتژی‌های نوین و همچنین توسعه جامع و نیاز به مدیریت صحیح در تصمیم‌گیری‌ها، دو بحث اساسی چالش برانگیز در پایداری می‌باشند.

از جمله چالش‌هایی که توسعه پایدار در عرصه بین‌المللی با آن‌ها مواجه است، عبارتند از:
- تقابل میان توسعه و حفاظت محیط زیست: مثلا اختلاف مجارستان و اسلواکی در قضیه پروژه گابسکیوو- ناگیماروس ۱۹۹۷

-تضاد منافع کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته و نبود همگرایی لازم میان آن‌ها: به طور نمونه اختلافات بین آمریکا و اتحادیه اروپایی بر سر تعیین یک جدول زمانی برای کاهش تولید گازهای گلخان‌های و در صحنه داخلی:

موانع ساختاری: عدم اجرا، اجرای ناقص یا موردی برنامه‌های توسعه از ضعف اراده ملی در ایجاد ساختارهای حقوقی و فرهنگی و صنعتی لازم نشأت می‌گیرد. در نتیجه، کشور، شاهد عدم ارایه طرح‌های توسعه مبتنی بر کارشناسی دقیق و پیش بینی اهداف بلند مدت بطور واقع‌بینانه با توجه به ظرفیت‌های ملی کشور و موانع بوده است.

عدم وجود ثبات اقتصادی: منجر به تمرکز برنامه‌های توسعه‌ای کشور در راستای نجات اقتصادی کشور بوده است که این امر منجر به مغفول ماندن اجرای برنامه‌های توسعه اجتماعی و محیط زیستی بوده است.

نا هماهنگی در مدیریت کلان: نهادهای قضایی، اجرایی و تقنینی عملکردی ناهماهنگ از خود نشان داده‌اند. تصمیمات ناگهانی مدیران بدون کارشناسی دقیق و ارزیابی آثار بلند مدت از عوامل مهم عدم اجرا یا اجرای ناقص طرح‌های توسعه پایدار بوده است.

عدم وجود نظارت: فاقد نظارت در جهت اجرای طرح‌ها و قوانین توسعه پایدار از جمله عواملی است که بعضا منجر به ایجاد فساد و رانت در نهادهای مختلف شده است.

پیشگام بودن قوه قضائیه در دادرسی و محاکمات عادلانه می‌تواند بیشترین تأثیر را در زمینه تحقق حقوق شهروندی در میان سایر ارکان حکومتی داشته باشد. تعیین ضمانت اجرایی مؤثر برای تخطی از قوانین و نظارت مستمر توسط یک ارگان یا دادگاه مستقل و بی‌طرف بر اجرای صحیح آن می‌تواند در این زمینه بسیار مثر ثمر واقع گردد.

آموزش: مجریان قانون نیز باید برای رعایت و اجرای صحیح مصوبات مربوط به حقوق بشر و

شهروندی، آموزش صحیح ببینند. گفتمان حقوق شهروندی نباید حالت شعاری داشته باشد، زیرا این حقوق فقط الفاظی بر روی کاغذ نمی‌باشند.

بطور کلی آموزش شهروندی می‌تواند به تضمین تداوم حیات شهروندی و ارتقای فرهنگ اجتماعی منجر شود. درگیر نمودن تمامی اقشار سنی، اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌های اجتماعی و محلی با محوریت شهروندان در برنامه‌ریزی، اجرا و برگزاری؛ آموزش در خلال برنامه‌ها و نهادینه نمودن آموزه‌ها و مفاهیم شهروندی از ضروریات فرآیند جامع آموزش می‌باشد. نتایج چنین نگاهی به آموزش‌های شهروندی می‌تواند به تقویت و ارتقای حس تعلق خاطر به شهر، رفع مزاحمت‌ها، کاهش و از بین رفتن آلودگی‌های زیست محیطی، رعایت حقوق متقابل شهروندان، شکل‌گیری گفتگوی آزاد شهروندی و نزدیک شدن به مفاهیم شهروندی و حرکت در مسیر توسعه پایدار شهری، همچنین بهبود وضعیت اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی جامعه، ارتقای حس مشارکت‌گرایی در محلات شهری و توانمندسازی جامعه برای مسئولیت‌پذیری، از دیگر نتایج این نگاه جامع به سوی توسعه پایدار شهری خواهد بود.

پس به طور کلی می‌توان گفت در توسعه پایدار ارتقای کیفیت زیست شهری از جمله بخش‌های اکولوژیک، فرهنگی، سیاسی، تأسیساتی، اجتماعی و اقتصادی، بدون اعمال هرگونه فشار بر نسل‌های آینده و کاهش سرمایه‌های طبیعی اعمال می‌شود، اهمیت دارد. فرهنگ سازی مناسب در راستای مشارک شهروندان در زمینه ساخت محیط زندگی خودشان، یکی از مهمترین راهکار‌های توسعه به حساب می‌آید. بدین منظور، دولت‌ها باید بکوشند تا بر مبنای شناخت اجتماعی جامعه خود الگوی بومی مناسبی را به منظور مشارکت شهروندان در طرح‌های مربوط به توسعه پایدار بکار بندند و با ایجاد شرایط و تسهیلات برای مردم و بخش خصوصی، انگیزه‌های لازم را برای آنها ایجاد نمایند تا بدین وسیله شهروندان را نسبت به محیط زندگی خود حساس و نسبت به بهبود شرایط زندگی ترغیب نمایند.

منابع فارسی

کتاب

- آذر داد، لادن (۱۳۸۹)، جایگاه حقوق شهروندی در مراجع شبه قضایی، تهران: انتشارات جنگل
- بحرینی، حسین (۱۳۷۸)، تحلیل فضاهای شهری، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)، مسبوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات کتابخانه دانش
- رضایی پور، آرزو (۱۳۹۴)، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، انتشارات آریان، چاپ سوم
- عمید، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر
- مارک هنری، پاول (۱۳۷۴)، فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه مسعود محمدی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

مقالات

- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۱)، حقوق شهروندی در قانون اساسی، جلد ۱، نشریه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲
- علی احمدی و علی حاجی نژاد (۱۳۸۹)، تخریب محیط زیست مانعی در برابر توسعه پایدار، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام
- عبدالرضا باقری بنجار و سجاد مرجانی (۱۳۹۶)، تحلیل رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با توسعه اجتماعی، دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۵
- کارگر، حمیدرضا (۱۳۹۳)، تضمین حقوق شهروندی در گروه توسعه پایدار شهری، دومین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، همدان، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، دانشکده شهید مفتح،
- کاظمی، حجت (۱۳۹۲)، نهادگرایی به عنوان الگویی برای تحلیل سیاسی، پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۳
- گودرزوند چگینی، مهرداد (۱۳۹۴)، توسعه پایدار؛ شاخص‌ها و سیاست، مجله سیاست جهانی، دوره ۴، شماره ۲
- مختاری، مهدی (۱۳۹۴)، نقش و جایگاه حقوق شهروندی در تحکیم مبانی همدلی و هم‌زبانی بین دولت و مردم، پایگاه نشر مقالات حقوقی حق گستر، قابل دریافت در:

اسناد

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲
- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۳/۲
- قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴
- قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
- قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۰۴/۲۵
- متن «منشور حقوق شهروندی»، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، با همکاری مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۵

English Resources

- Boyle, Alan (2001), **Codification of International Environmental Law and the International Law Commission, Injurious Consequences Revisited**, in International Law and Sustainable Development, Alan Boyle and David Freestone (eds.), New York, Oxford University Press
- Rodríguez-Pose, Andrés (2013), **Do institutions matter for regional development?** Regional Studies, 47 (7)
- World Commission on Environment and Development (WCED), the Brundtland Commission, 1987